

هدف دوم :

دلایل انتقال منحنی؛

۱- تغییرات امکانات پولی تولید کننده

۲- تغییرات قیمت نسبی عوامل

۳- تغییرات هر دو عامل ۱ و ۲

در نقاط E, B, A سطح تولید یکسان است ولی Tc متفاوت است.

در نقطه E تولید با کمترین هزینه را داریم.

$$\begin{cases} \bar{q} \\ Tc_1 < Tc_2 < Tc_3 \end{cases}$$

$$\text{شرط لازم : } \begin{cases} E & MRTS_{LK} = \frac{MP_L}{MP_K} = \frac{P_L}{P_K} \\ E' & \frac{MP_L}{P_L} > \frac{MP_K}{P_K} \\ E'' & \frac{MP_L}{P_L} < \frac{MP_K}{P_K} \end{cases}$$

هدف اول و دوم هر کدام به نتیجه یکسانی می رسد.

$$\text{شرط لازم : } \frac{MP_L}{P_L} = \frac{MP_K}{P_K}$$

$$\text{شرط کافی : } Tc = P_L \cdot L + P_K \cdot K$$

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

اگر روابط غیر تساوی برقرار باشد دیگر کلمه کمتر یا بیشتر به کار نمی رود بلکه فقط از یک نوع

تکنیک استفاده می کنیم

$$\text{فقط نیروی کار} \Rightarrow \frac{MP_L}{P_L} > \frac{MP_K}{P_K} \text{ اگر همیشه}$$

در جایی برقرار است که L,K کاملاً جانشین باشند.

تاثیر امکانات پولی بر توسعه تولید فعالیت در یک دوره دراز مدت

مسیر گسترش توسعه

* با افزایش Tc به سمت سرمایه بر می رود و تکنولوژی انتخابی سرمایه بر است.

* ولی به سمت کاربر می رود دیگر سرمایه بر صرف نمی کند. یا کاراندوز وقتی که نیروی کار زیاد

وجود داشته باشد.

EP : روند افزایش تولید را همراه با استفاده از عوامل تولید زمانیکه امکانات پولی تولید کننده زیاد

می شود از به هم پیوستن نقاط تعادلی تولید کننده بدست می آید. زمانیکه امکانات پولی تولید

کننده افزایش یابد.

فرایند تولید کاربر فرایند تولید خنثی فرایند تولید سرمایه بر

اگر در جامعه ای نیروی کار فراوان وجود داشته باشد، از به کار بردن سرمایه صرفه جویی می کند و

به این تکنیک کاربر یا سرمایه اندوز گویند.

اگر خنثی باشد به همان مقدار قبلی استفاده می کند.

بازدهی نسبت به مقیاس؛

۱- صعودی؛ وضعیتی است که در آن درصد افزایش تولید به نسبت بیشتر از درصد افزایش عوامل

تولید است.

۲- ثابت؛ درصد افزایش تولید درست به اندازه درصد افزایش عوامل تولید است.

۳- نزولی؛ درصد افزایش تولید به نسبت کمتر از درصد افزایش عوامل تولید است.

$$q = F(L, K)$$

$$F(\lambda L, \lambda K) = \lambda^n F(L, K)$$

تابع همگن از درجه n

$$\rightarrow n > 1$$

بازدهی نسبت به مقیاس صعودی

$$\rightarrow n = 1$$

بازدهی نسبت به مقیاس ثابت

$$\rightarrow n < 1$$

بازدهی نسبت به مقیاس نزولی

قضیه اولر :

اگر تابعی همگن از درجه n باشد و رابطه زیر در مورد آن صادق باشد قطعاً رابطه اولر هم در مورد

$$F(\lambda L, \lambda K) = \lambda^n F(L, K) \text{ آن ثابت خواهد بود.}$$

$$= F_L \cdot L + F_K \cdot K = n \cdot F(L, K) = nq$$

$$MP_L \cdot L + MP_K \cdot K = nq$$

جهت خرید فایل word به سایت www.kandooch.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

$$MP_L \cdot L + MP_K \cdot K = q \quad \text{اگر } n=1$$

رابطه بازدهی نسبت به مقیاس با هزینه های هر واحد نسبت به مقیاس :

$$AC = \frac{Tc}{q} \quad \text{هزینه هر واحد}$$

هزینه هر واحد نسبت به مقیاس نزولی $\Rightarrow AC \downarrow$ $Tc \uparrow$ $q \uparrow \uparrow$

هزینه هر واحد نسبت به مقیاس نزولی $\Rightarrow n > 1$

هزینه هر واحد نسبت به مقیاس ثابت $\Rightarrow n = 1$ با توجه به q و رابطه اولر

هزینه هر واحد نسبت به مقیاس صعودی $\Rightarrow n < 1$

*بازدهی نزولی عوامل تولید با بازدهی نسبت به مقیاس نزولی چه تفاوتی دارد؟

بازدهی نزولی عوامل تولید : در صورت ثابت ماندن همه عوامل تولید برقرار است و تنها یک

عامل افزایش می یابد.

بازدهی نسبت به مقیاس نزولی : همه عوامل متغیرند.

اگر همه عوامل متغیرند چون امکان دسترسی نیروی کار به همه عوامل بیشتر می شود پس لزوماً

حالت بازدهی نزولی مطرح نیست.

$$A-B \rightarrow n > 1$$

$$B-C \rightarrow n = 1$$

$$C-D \rightarrow n < 1$$

*در SAC_1 بقیه عوامل را ثابت در نظر گرفتیم و اگر همه عوامل متغیر باشند دیگر SAC ها را

نمی بینیم بلکه LAC را می بینیم.

در جایی که SAC_1^1 و SAC_1^1 در یک راستا قرار می گیرند :

نسبت افزایش هزینه عوامل تولید = نسبت افزایش سطح تولید

امکان کاهش هزینه ها را داریم \Rightarrow هزینه های بلند مدت LAC

امکان کاهش هزینه ها را نداریم \Rightarrow هزینه های کوتاه مدت SAC

$$\frac{TC'_1}{q'_1} = \frac{TC'_2}{q'_2} = LAC'_2$$

پس از نقطه C با اینکه بازدهی نزولی عوامل صادق است اما زیانهای ناشی از مقیاس را نداریم.

در جمیع حالتها ۳ گانه وقتی ظرفیت تولید تعیین شده باشد و ثابت فرض شود بازده نزولی عوامل تولید همواره صادق است.

در مورد بلند مدت ما کمتر راجع به بازدهی نزولی عوامل تولید صحبت می کنیم در زمان کوتاه مدت است که بازدهی نهایی نزولی را مطرح می نمائیم.

صرفه های ناشی از مقیاس؛

۱- صرفه جویی در زمان انجام کار است از طریق تقسیم کار.

۲- صرفه جوییهای فنی : در زمان تولید انبوه افزایش تجهیزات به صرفه خواهد بود.

۳- صرفه جویی در هزینه های فروش و تبلیغات. (در بازار رقابت انحصاری بالاترین هزینه

مربوط به هزینه تبلیغات است)

۴- صرفه جویی در مدیریت و تشکیلات اداری

در مقیاس بالاتر هزینه های تبلیغات روی ظرفیت های بالاتر سرشکن می شود و هزینه هر واحد

کاهش می یابد.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

در تمام این موارد به علت افزایش ظرفیت صرفه جویی هایی ایجاد می شود چون هزینه ها روی واحدهای بیشتری سرشکن می شود.

بهترین تشکیلات از نظر کالایی :

تشکیلاتی است که ظرفیت آن متناسب با بازدهی نسبت به مقیاس ثابت است. در این وضعیت کارایی در حداکثر خود قرار گرفته است.

در فاصله BC :

با فرض ثابت بودن شرایط حداقل هزینه ممکن را نشان می دهد.

با افزایش ظرفیت تولید روی منحنی ALC به سمت پایین حرکت می کنیم و اگر عوامل خارجی

که ممکن است اقتصادی و باعث صرفه جویی هستند و بعضی غیر اقتصادی هستند.

انتقال منحنی LAC ← عوامل خارجی

حرکت روی منحنی LAC ← مقیاس و بازدهی نسب به مقیاس

↓ یا ↑ قیمت عوامل تولید ⇒ ↑ تقاضا برای مواد اولیه ↑ تولید

منحنی LAC به پایین ⇒ + عوامل خارجی ⇒ ↓ قیمت عوامل تولید : اگر

↑ ظرفیت

منتقل می شود.

منحنی LAC به بالا ⇒ - عوامل خارجی ⇒ ↑ قیمت مواد اولیه : اگر

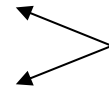
↑ ظرفیت

منتقل می شود.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

اگر دو باغ را در کنار هم یکی پرورش گل و دیگری پرورش زنبور عسل را انجام بدهند هر دو
ناخواسته بهم کمک می کنند که این یکی از عوامل خارجی (+) است.

توسعه فعالیتهای صنعتی منجر به افزایش آلودگی محیط زیست می شود مثل فاضلاب صنعتی و
صید ماهی که این هم یکی از عوامل خارجی (-) است.



در عمل بیشتر با عوامل خارجی منفی روبرو هستیم.

$$q = AL^\alpha K^\beta$$

تابع تولید کاپ-داگلاس :

بازدهی نسبت به مقیاس :

$$F(\lambda L, \lambda K) = A(\lambda L)^\alpha (\lambda K)^\beta = A \lambda^\alpha L^\alpha \lambda^\beta K^\beta \\ = \lambda^{\alpha+\beta} AL^\alpha K^\beta = \lambda^{\alpha+\beta} F(L, K) = \lambda^{\alpha+\beta} q$$

درجه همگنی تابع : $\Rightarrow n = \alpha + \beta$

$\alpha + \beta = 1 \Rightarrow$ همگن خطی بازدهی نسبت به مقیاس ثابت

$\alpha + \beta > 1 \Rightarrow$ همگن غیر خطی >1 بازدهی نسبت به مقیاس صعودی

$\alpha + \beta < 1 \Rightarrow$ همگن غیر خطی <1 بازدهی نسبت به مقیاس نزولی

قضیه اولر :

$$\frac{\partial F}{\partial L} \cdot L + \frac{\partial F}{\partial K} \cdot K = nq$$

$$MP_L \cdot L + MP_K \cdot K = (\alpha + \beta)q$$

تابع $q = 10L^2K$ را داریم $MP_L \cdot L + MP_K \cdot K$ مساوی؟

۳

۴۰

۰۰

۱۰

تابع $Z = \frac{xy}{x+y}$ را داریم $\frac{\partial Z}{\partial x}x + \frac{\partial Z}{\partial y}y$ مساوی؟

$$F(\lambda x, \lambda y) = \frac{\lambda^2 xy}{\lambda(x+y)} = \lambda F(x, y) \Rightarrow n=1$$

عبارت $\Rightarrow q = \frac{xy}{x+y}$

بازدهی نسبت به مقیاس نزولی $Z = \frac{xy}{x+y} \Rightarrow n=0 \Rightarrow$

عبارت $= 0 \times q = 0$

در مورد β, α ؟

$$\alpha = \frac{MP_L \cdot L}{q} \rightarrow = \frac{MP_L \cdot L \cdot P}{P \cdot q}$$

($\bar{W} = MP_L$) اینکه به مشروط به اینکه

$$\bar{W} = \frac{W}{P} = \frac{VMP_L \cdot L}{GNP}$$

دستمزد هر واحد نیروی کار

$$\text{کشش تولید نسبت به نیروی کار} = \frac{MP_L \cdot L}{q} = \frac{MP_L}{q/L} = \frac{MP_L}{AP_L}$$

اثبات:

$$\begin{cases} MP_L = \frac{\partial q}{\partial L} = \alpha AL^{\alpha-1} K^B \\ L \cdot MP_L = \alpha \frac{AL^\alpha K^B}{q} \Rightarrow \alpha = \frac{L \cdot MP_L}{q} \end{cases}$$

$$\alpha = \frac{\frac{\partial q}{\partial L}}{L} = \frac{\partial q}{\partial L} \cdot \frac{L}{q} = MP_L \cdot \frac{L}{q} = \frac{MP_L}{AP_L}$$

در مورد β هم همین مورد برقرار است.

گاهی این تابع لگاریتمی است:

$$\ln q = \ln A + \alpha \ln L + \beta \ln K$$

برای تخمین تابع تولید از روشهای رگرسیونی؛

$$\text{کشش تولید (E) نسبت به نیروی کار} = \frac{d(\ln q)}{d(\ln L)} = \frac{\frac{\partial q}{\partial L} / q}{1/L} = \frac{\Delta q}{\Delta L} \cdot \frac{L}{q} = \alpha$$

مثال $q = 10\sqrt{LK}$ \Rightarrow ۱- بازدهی ثابت

۲- بی کشش

$$\frac{MP_L}{AP_L} = \frac{1}{2} \quad \text{۳-}$$

نمایش حالت‌های بازدهی نسبت به مقیاس با توجه به منحنی‌های بی تفاوتی؛

بازدهی نسبت به مقیاس ثابت است.

چون نسبتها یکسان است.

$$\begin{array}{l} \frac{L}{K} \Rightarrow \frac{2L'}{2K} \quad \frac{2L}{2K} \rightarrow \frac{4L}{4K} \\ 1 \rightarrow 2 \quad \quad \quad 2 \rightarrow 4 \\ 100 \rightarrow 200 \quad \quad 200 \rightarrow 400 \end{array}$$

$$\begin{array}{l} L \rightarrow 2L \\ q_1 = 100 \rightarrow q_2 = 200 \end{array} \Rightarrow \frac{1}{2} = \frac{100}{200} \quad \text{ثابت} \quad 100 \rightarrow 200 \rightarrow 300$$

نکته مهم $100 \rightarrow 300 \rightarrow 700$ صعودی

اگر $100 \rightarrow 150 \rightarrow 200$ نزولی

تفکیک اثر جانشینی و اثر تولیدی ناشی از تغییر قیمت یکی از عوامل تولید :

اما \overline{TC} کل $\rightarrow P \downarrow$

فقط تولید هر واحد کاهش یافته است.

↑ قدرت خرید امکانات پولی تولید کننده نسبت به عوامل تولید $P \downarrow$ یکی از عوامل

در جایکه TC کل ثابت مانده می تواند عوامل تولید بیشتری اختیار کند و سطح تولید را بالا ببرد

که هزینه هر واحد تولید کاسته می شود مثل شکل که با کاهش قیمت نیروی کار از X به X_1 به

L_2 افزایش می یابد اما این افزایش تقاضا برای نیروی کار ناشی از ۲ اثر است :

۱- اثر جانشینی

۲- اثر درآمدی

منظور از اثر جانشینی : درجه جانشینی نیروی کار به جای سرمایه است به این خاطر که قیمت

نسبی نیروی کار کاهش یافته و سرمایه به صورت نسبی گرانتر شده است پس جذابیت استفاده از

نیروی کار باعث جانشینی آن به جای سرمایه می شود که این عمل در طول منحنی متساوی

التولید همزمان با تغییر قیمت‌های نسبی اتفاق می افتد که این جابجایی صرفاً به دلیل تغییر قیمت

نسبی عوامل تولید می باشد.

منظور از اثر جانشینی تولید همان مقدار محصول است و حفظ همان میزان سطح تولید است با

جانشین کردن عامل ارزانتر به جای عامل گرانتر که این عمل در طول منحنی متساوی التولید

اتفاق می افتد.

منظور از اثر تولیدی : بخصوص در این مثال ($P_L \downarrow$) افزایش تولید است به این دلیل که کاهش

قیمت یکی از عوامل تولید امکان دسترسی به همه عوامل تولید را بالا می برد که به این ترتیب با

اختیار کردن مقادیر بیشتر از عوامل تولید می توان سطح تولید را افزایش داد در این وضعیت

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

منحنی خط بودجه تولید کننده به طور موازی به بالا انتقال می یابد. ما از این تولید کننده آنقدر

مالیات یا درآمد می گیریم که ناچار به همان میزان تولید شود.

اثر تولیدی $E'' \rightarrow E'$ L_3L_2

اثر جانشینی $E \rightarrow E''$ L_1L_3

اثر کل $E \rightarrow E'$

اثر جانشینی (E'') \Rightarrow نیروی کار جانشینی برای سرمایه است و سطح تولید ثابت

میمانند $P_L \downarrow$

اثر تولیدی \Rightarrow میزان پولی که در نتیجه کاهش P_L به ما رسیده است را اگر

صرف تولید بیشتر نماییم. $P_L \downarrow$

مثال: در چه سطحی از نیروی کار و سرمایه q به \max می رسد؟

$$\begin{cases} q = \sqrt{LK} \\ 2L + K = 6/000 \end{cases}$$

$P_L \downarrow \Rightarrow P_L = 1 \Rightarrow L + K = 6/000$ $\cdot 50\%$

شرط تعادل

$$\frac{MP_L}{MP_K} = \frac{P_L}{P_K}$$

$$\frac{MP_L}{MP_K} = \frac{\frac{1}{2}L^{-\frac{1}{2}}K^{\frac{1}{2}}}{\frac{1}{2}L^{\frac{1}{2}}K^{-\frac{1}{2}}} = \frac{P_L}{P_K} = \frac{2}{1} \Rightarrow K = 2L$$

$$: 2L + K = 600 \Rightarrow 2L + 2L = 600 \Rightarrow L = \frac{4}{600} = 15$$

$$K = 300$$

$$q = \sqrt{45/000} \Rightarrow q = \sqrt{150 \times 300} = 212/13$$

$$\text{اگر } L + K = 600$$

$$\Rightarrow * \frac{MP_L}{MP_K} = \frac{1}{1} \Rightarrow K = L \Rightarrow 2L = 600 \Rightarrow L = 300$$

$$K = 300$$

$$q = \sqrt{90/000}$$

$$L_1 = 150 \quad L_2 = 300 \quad L_3 = ?$$

می خواهیم خط بودجه مماس بر q_1 را بیابیم :

$$L^{1/2} K^{1/2} = 5/000$$

$$\frac{dL}{dK} = - \frac{\frac{\partial F}{\partial L}}{\frac{\partial F}{\partial K}} = - \frac{MP_L}{MP_K} = \frac{P_L}{P_K}$$

$$\frac{1}{2} L^{-1/2} K^{1/2} = \frac{1}{2} \Rightarrow K = 1 \Rightarrow \sqrt{45/000} = L^{1/2} K^{1/2} = L \Rightarrow L = \sqrt{45/000} = 212/13 = L_3$$

$$L = K = 212/13 \quad L + K = TC \Rightarrow TC = 424/26$$

$$212/13 \rightarrow 300$$

$$\sqrt{45/000} \rightarrow \sqrt{90/000} \quad 600 \rightarrow 424/26$$

TC یکسان دارند E', E

Tc متفاوت دارند E'', E

مشخص کردن مراحل تولید با استفاده از منحنی های متساوی التولید :

$$\frac{MP_L}{MP_K} = \frac{10^{-1} K}{10LK^{-1}} = \frac{W}{r} = \frac{10}{2} \Rightarrow L = 2K$$

$$20K + 20K = 1/000 \Rightarrow K = 25, L = 50$$

سوال ۸۶ سال ۷۸ :

تئوری هزینه ؛

۱- هزینه ها از دیدگاه حسابداری و اقتصادی کاملاً متفاوتند.

TC_A از نظر حسابداری = هزینه هایی که عیناً پرداخت می شود و بابت آن سند پرداخت می شود

TC_E از نظر اقتصادی = هزینه های عینی + هزینه های ضمنی

۲- هزینه های ضمنی : عبارت است از هزینه هایی که آشکار نیست ولی هزینه می شود.

در ادبیات اقتصادی اصطلاحاً هزینه های فرصت می گوئیم یا به عبارت کامل تر هزینه های فرصت

های از دست رفته

هزینه های فرصت از دست رفته ؛ هزینه هایی است که مربوط به عوامل تولید متعلق به کارفرما

می شود.

پس نه تنها به هزینه های عینی هم از دید حسابداری به آن نگاه کنیم و باید به دنبال قیمت واقعی

اجناس برویم مثلاً اگر هزینه ای دریافت کرده ایم باید دید اگر نبود چه مقدار باید هزینه

می کردیم.

❖ هزینه های تولید = هزینه های آشکار + هزینه های غیر عینی.

و بعضی سودهای اقتصادی در واقع ضرر اقتصادی هستند به خاطر در نظر نگرفتن بعضی هزینه

های غیر عینی.

هزینه فرصت یک منبع یا عامل اقتصادی عبارت است از :

ارزش آن منبع یا عامل در بهترین نوع کاربرد آن در یک کار دیگر.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

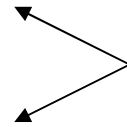
هزینه فرصت کالای x: برابر است با مقدار کالای yای که باید از دست داد تا یک واحد بیشتر

از کالای x بدست آورد.

$$\pi_A = TR - TC_A \quad \text{سود حسابداری}$$

$$\pi_E = TR - TC_E = TR - (TC_A - OC) \quad \text{سود اقتصادی}$$

$$= TR - TC_A - OC = \pi_A - OC = \pi_E$$



سود اقتصادی که هزینه های حسابداری را پوشش می دهد $\pi_E = 0$

سودی مازاد بر سود نرمال است و این مورد ناعادلانه است.

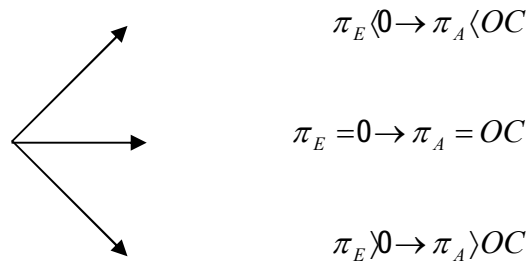
چون افراد باید هزینه های مربوط به خود را تأمین کنند و افراد در مورد آن اجحاف کرده اند.

سود در بازار رقابت کامل سود عادلانه است اما اگر بازار تمایل به انحصار پیدا کند سود به شکل

ناعادلانه ظاهر می شود.

$$\pi_E = \pi_A - OC$$

فرض: از این به بعد همه جا منظور از هزینه ها هزینه های اقتصادی است و اگر سود اقتصادی صفر



بود سود نرمال وجود دارد. یعنی سود حسابداری به اندازه هزینه های فرصت وجود دارد. و سود نرمال تأمین شده است.

۴- هزینه های خصوصی و هزینه های اجتماعی:

هزینه های اجتماعی: هزینه هایی که بخش خصوصی بر اجتماع تحمیل می کند ولی به حساب

خودش نمی گذارد. مثل آلودگی صدا، آلودگی محیط زیست، شیوع بیماری.

هزینه های اجتماعی = هزینه های خصوصی + هزینه های تحمیل شده از طرف بخش خصوصی.

هزینه های خصوصی: هزینه هایی که تولید کننده پرداخت می کند و در هنگام تصمیم گیری

آن را به حساب می آورد. مثل هزینه های تولید.

فرض: هزینه های خصوصی = هزینه های اجتماعی

چون بخش خصوصی را قسمتی از جامعه می دانیم

۵- هزینه های کوتاه مدت و هزینه های دراز مدت:

در دراز مدت همه عوامل متغیر است و می توانیم تصمیم گیری کنیم ولی در کوتاه مدت چون

بعضی موارد آن ثابت است به دو دسته تقسیم می کنیم



هزینه های کوتاه مدت یعنی آنقدر کوتاه که نتوانیم هزینه های ثابت را تغییر نمائیم مثل ظرفیت و قدرت تصمیم گیری از ما سلب می شود ولی برخی هزینه ها قابل تغییر هستند.

* هزینه های دراز مدت ← هزینه های متغیر

مراحل تکوین یک فعالیت اقتصادی : ۱- مطالعات اولیه و امکان سنجی

۲- مرحله سرمایه گذاری اولیه



MC هزینه نهایی : افزایش هزینه ها به ازای افزایش یک واحد تولید. $MC = \frac{dTC}{dq}$ هزینه نهایی

$$q = F(L)$$

تولید تابعی است از نیروی کار :

$$L_1 = 0 \Rightarrow q = 0$$

$$L = L_1 \Rightarrow q = F(L_1) = q_1$$

متغیر

$$TFC + TVC = TC$$

TFC : هزینه هایی که هیچ ربطی به سطح تولید ندارند.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

TVC : هزینه هایی که با سطح تولید تغییر پیدا کند.

$$\begin{cases} q = 0 \Rightarrow TC = TFC \\ q = \bar{q} \Rightarrow TC = TFC + TVC\bar{q} \end{cases}$$

هزینه چه ارتباطی با سطح تولید دارند ؛

TVC یک تابع اکیدا صعودی است.

دستمزد هر واحد نیروی کار W

$$TVC = W.L$$

$$TVC = \bar{W}.L_1$$

$$TVC_2 = \bar{W}.L_2$$

$$TVC_3 = \bar{W}.L_3$$

TVC اول با روند نزولی است و بعد از نقطه عطف صعودی است.

فاصله TC از TVC مقدار هزینه های ثابت است و همواره منحنی TC از منحنی TVC و TFC

بالاتر است.

ولی TrC تا زمانی زیر منحنی TFC و بعد بالاتر از TFC است ولی همیشه زیر منحنی TC است.

هزینه ها برای محاسبه سود و زیان به کار می آید و این هزینه ها در آخر هر ماه یا هر سال قابل

محاسبه هستند.

موقع تصمیم گیری از هزینه های هر واحد استفاده می کنیم.

تجزیه و تحلیل هزینه های شرکت براساس هر واحد تولید ؛

$$TC = TFC + TVC \xrightarrow{\div q} \frac{TC}{q} = \frac{TFC}{q} + \frac{TVC}{q}$$

$$\Rightarrow ATC = AFC + AVC \quad *$$

تعاریف مختلف MC

۱- نسبت به تغییرات هزینه کل $\frac{TC}{q}$ و تغییرات سطح تولید

۲- افزایش هزینه کل به ازای یک واحد افزایش تولید

۳- هزینه آخرین واحد تولیدی

۴- مشتق تابع هزینه کل نسبت به سطح تولید $\frac{dTC}{dq}$

۵- ضریب زاویه خط مماس به ازای سطح معینی از سطح تولید

$$MC = \frac{dTC}{dq} \quad \text{هزینه نهایی}$$

"افزایش هزینه به ازای افزایش یک واحد تولید"

$$* \Rightarrow MC = \frac{dTC}{dq} = \frac{d(TFC + TVC)}{dq} = \frac{dTVC}{dq}$$

در هر سطحی از تولید ضریب زاویه خط مماس بر TC و TVC برابر است و دو خط مماس موازی

هستند.

$$TVC = \bar{W} \cdot L$$

$$AVC = \frac{TVC}{q} = \frac{\bar{W} \cdot L}{q} = \frac{\bar{W}}{q/L} = \frac{\bar{W}}{APL} \left\{ \begin{array}{l} AP_L \uparrow \quad AVC \downarrow \\ APL \downarrow \quad AVC \uparrow \\ \max APL \quad \equiv \quad \min AVC \end{array} \right.$$

جهت خرید فایل word به سایت www.kandooon.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

$$MC = \frac{\Delta TVC}{\Delta q} = \frac{\bar{W} \cdot \Delta L}{\Delta q} = \frac{\bar{W}}{\Delta q / \Delta L} = \frac{\bar{W}}{MP_L} \begin{cases} MP_L \uparrow & MC \downarrow \\ MP_L \downarrow & MC \uparrow \\ Max MP \equiv Min MC \end{cases}$$

$$\left. \begin{array}{l} MC < AVC \Leftrightarrow AVC \downarrow \\ MC > AVC \Leftrightarrow AVC \uparrow \end{array} \right\} \rightarrow MC = AVC \Leftrightarrow Min \text{ } AVC$$

$$MC = AVC \Leftrightarrow \min \text{ } AVC$$

از نظر ریاضی ثابت کنید منحنی MC از minAVC عبور می کند :

$$AVC = \frac{TVC}{q} \Rightarrow \frac{dAVC}{dq} = \frac{\frac{dTVC}{dq} \cdot q - TVC}{q^2} = 0$$

منحنی MC از Min AVC عبور می کند.

با افزایش تولید هزینه ثابت کم می شود چون به هر واحد تولید مقدار کمتری هزینه تعلق

می گیرد.

$$AFC = \frac{TFC}{q}$$

AFC : هذلولی قائم و همواره نزولی

مساحت دو مستطیل ۱ و ۲ برابر است

و هر دو برابر TFC است.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

قبل از $AVC \min$ هم AVC و هم AFC در حال کاهش است پس TC شدت کاهش آن سرعت
بالایی دارد.

$$tg\beta = AFC = AVC$$

چون در نقطه $AVC \min$ مقدار AVC تغییر نمی کند (شیب صفر) [با افزایش تولید تغییر
می کند] ولی مقدار AFC در حال کاهش است بنابراین تا زمانی که مقدار کاهش AFC بیشتر
است. مقدار افزایش AVC باشد منحنی ATC همچنان به کاهش خود ادامه خواهد داد تا زمانی که
مقدار کاهش AFC با مقدار افزایش AVC برابر شود. [مقادیر افزایشی = شیب منحنی] منحنی
 ATC به کاهش خود ادامه می دهد و به نقطه Min نزدیک می شود و درست در سطح تولیدی که
به ازای آن شیب منحنی AFC با شیب منحنی AVC از نظر قدرت مطلق با هم برابر باشند منحنی
 ATC به نقطه Min خواهد رسید و از آن به بعد همانند AVC افزایش می یابد.

$$\begin{cases} MC < ATC \Leftrightarrow ATC \downarrow \\ MC = ATC \Leftrightarrow Min \ ATC \\ MC > ATC \Leftrightarrow ATC \uparrow \end{cases}$$

$$ATC = AFC + AVC \Rightarrow MinATC \Rightarrow \frac{dATC}{dq} = \frac{dAFC}{dq} + \frac{dAVC}{dq}$$

$$(tg\alpha = AFC = AVC) \quad \frac{dAVC}{dq} = \frac{dAFC}{dq}$$

همه منحنی هزینه U شکل است بغیر از AFC

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

ظرفیت کارخانه : منحنی ATC درست در سطح تولید q_c به Min خود می رسد و اصطلاحاً

ظرفیت کارخانه نامیده می شود.

ظرفیت کارخانه متناسب با حداکثر تولید نیست بلکه متناظر با سطح تولیدی است که به ازای آن
ATC , min است.

می توان افزایش ظرفیت تولید داد (بیش از ظرفیت کارخانه) ولی باید هزینه های بیشتری متحمل
شویم.

مرحله II تولید از min AVC تا $MP_L = 0$ $\Leftarrow q_2 \leq q \leq q_3$

ناحیه اقتصادی تولید \Rightarrow ناحیه II تولید از min AVC به بعد.

هرگاه P بیشتر از ATC باشد یعنی قیمت بالای منحنی ATC باشد و سود داریم در min AVC
سود نرمال است ولی سود اقتصادی نداریم.

ما در بازار باز تولید می کنیم با وجود ضرر چون بتوانیم هزینه های ثابت و بخشی از هزینه های
متغیر خود را بپوشانیم.

در نقطه تلاقی ATC , MC ما در ظرفیت حتما کار می کنیم و با افزایش تولید حتما هزینه هر
واحدمان افزایش می یابد.

تحلیل هزینه های یک بنگاه در دراز مدت ؛

در بلند مدت همه عوامل ما متغیرند و چیزی به عنوان هزینه ثابت نداریم.

ولی تولید کننده می تواند هزینه هر واحد در دراز مدت کمتر از هزینه های هر واحد در بلند مدت

است زیرا می توانیم در هزینه های ثابت هم تجدیدنظر کنیم.

همیشه هزینه هر واحد در کوتاه مدت SAC بیشتر از هزینه ها بلندمدت است چون در کوتاه مدت

با بقیه و محدودیت بیشتر برخورداریم.

ماکزیمم مقید همواره مقداری کمتر از ماکزیمم غیر مقید است پس در بلند مدت هزینه های در

واحد در دراز مدت بیشتر است.

(q_s) نقطه برخورد SAC و LAC قبل از Min منحنی SAC است.

$$q_s \rangle Min \ SAC$$

در چنین حالتی کارخانه در زیر ظرفیت دارد کار می کند و امکان تولید بیشتر دارد و در ظرفیت

اضافی کار می کند.

این کار دلیل بر حداقل هزینه است و سودی زیاد در دراز مدت دارد.

این تولید کننده می تواند درست در q_s بنا کند و در ظرفیت شروع به تولید کند.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

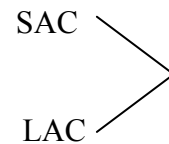
ولی برای تولید صرف با SAC_2 است یعنی کارخانه بزرگتر است.

در SAC_2 هزینه های ثابت بهینه است ولی در SAC_1 هزینه ثابت بهینه نیست (درست در نقطه

تماس)

منظور از دراز مدت این است که بتوان در این مدت ظرفیت کارخانه را تغییر داد.

• q_s



کاهش هزینه ها در دراز مدت همان صرفه های تولید در ظرفیت بیشتر است.

هر چقدر ظرفیت بالاتر برود هزینه های ثابت هم بالاتر می رود ولی چون ظرفیت هم بیشتر

می شود، سرشکن می شود و در نتیجه هزینه هر واحد کمتر می شود و این ناشی از صرفه های

ناشی از مقیاس است.

**جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید**

وقتی که STC عمودی شود این حداکثر مقدار تولید است و با افزایش نیروی کار فقط هزینه ها را افزایش داده ایم.

کاهش LAC امکان پذیر نیست مگر با انتخاب کارگاههای بزرگتر با ظرفیت بالاتر.

بهترین و مطلوبترین تشکیلات که هزینه های هر واحد را در دراز مدت کم کرد که همان minLAC است.

بهترین سطح تولید در مطلوبترین تشکیلات تولیدی

SAC_2 حداقل هزینه هر واحد تولید در حد ممکن است و SAC_1 همان ظرفیت تولید ولی هزینه هایی بالاتر را دارد.

$SAC^* =$ کاراترین تشکیلات،

به نقطه تماس SAC , LAC تولید در ظرفیت گفته می شود.

عملکرد یک موسسه معین در نقطه حداقل هزینه متوسط و تولید سطح معینی از محصول در

هزینه متوسط در چند متفاوت است تولید کننده ای که در فکر حداکثر کردن سود باشد به مورد

دوم علاقه بیشتری دارد این دو هدف فقط در یک نقطه روی منحنی LAC یکی خواهد شد و این

نقطه نقطه حداقل منحنی LAC خواهد بود.

SAC'_1 : ظرفیت معین و سطح تولید متغیر

SAC_2 : ظرفیت متغیر و سطح تولید ثابت

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

در دراز مدت سود اقتصادی بنگاه صفر است و در نقطه P ظرفیتهای مختلف را آزمون کردیم تا به این نقطه رسیده ایم ولی مردم رفاه اقتصادی را حس می کنند.

در بازار رقابت کامل نه تنها هزینه های هر واحد بهینه است بلکه کارایی هم حداکثر است.
اگر یک انحصارگر در بازار باشد دیگر احتیاجی به فکر ظرفیت بهینه نیست چون رقیبی ندارد.

" کارایی در حداکثر یعنی انتخاب ظرفیت بهینه "

تولید در ظرفیت ؛ از دید اقتصاد دانان نرخى از تولید است که در آن تولید کننده هیچ انگیزه ای برای تغییر ظرفیت کارخانه ندارد. که منطبق بر نقطه تماس SAC و LAC است. (سطح تولید منطبق با هزینه ها در دراز مدت)

رابطه بین هزینه نهایی در کوتاه مدت و هزینه نهایی در بلند مدت LMC-SAC

و رابطه بین LAC و LMC

$$\begin{aligned} \text{If } SAC = LAC &\Rightarrow SMC = LMC \\ \text{رابطه } SAC, SMC \left\{ \begin{array}{l} \text{IF } SMC < SAC \Rightarrow SAC \downarrow \\ \text{IF } SMC = SAC \Rightarrow \text{MinSAC} \\ \text{IF } SMC > SAC \Rightarrow SAC \uparrow \end{array} \right. \\ \text{رابطه } LMC, LAC \left\{ \begin{array}{l} \text{IF } LMC < LAC \Rightarrow LAC \downarrow \\ \text{IF } LMC = LAC \Rightarrow \text{MinLAC} \\ \text{IF } LMC > LAC \Rightarrow LAC \uparrow \end{array} \right. \end{aligned}$$

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

افزایش یک واحد تولید هزینه های بیشتری در کوتاه مدت دارد نسبت به بلند مدت.

(هزینه هر واحد حداقل است) ← تقاضا بعد از q_s .

کاهش یک واحد تولید هزینه های دراز مدت صرفه جویی بیشتری دارد نسبت به کوتاه مدت

← نقاط کمتر از q_s

$$\text{در جایی که } SAC = LAC \Rightarrow LMC + SMC_1$$

(صفحه ۲۴۸ کتاب سالواتوره.)

گاهی در این بازار تبانی صورت می گیرد اگر چه رسمی نباشد.

" بحث تکمیلی هزینه ها "

انطباق بازدهی نسبت به مقیاس با نمودارهای مربوطه

LTC-۱ نزولی باشد :

در جایی که SAC مماس بر LAC شده است. هزینه ثابت بهینه است.

اگر شیب LTC در حال کم شدن باشد بازدهی صعودی نسبت به مقیاس است و هزینه های هر

واحد نزولی نسبت به مقیاس است.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

چند انتخاب برای تشکیلات بهینه داریم. چون LTC از مرکز مختصات می گذرد

و انتخاب بستگی به بازار دارد (q_3 یا q_4) بازدهی نسبت به مقیاس ثابت است.

۳- بازدهی نسبت به مقیاس نزولی با (LTC صعودی)

بازدهی نسبت به مقیاس نزولی

هزینه ها هر واحد نسبت به مقیاس صعودی.

وقتی شیب LTC در حال افزایش باشد هزینه های هر واحد در صعود است و نقاط بالاتر که روی

LTC را به که مبدأ وصل نمائیم شیب بیشتری از نقاط پایینی دارد.

در جائیکه شیب آن خط اش از مبدأ مختصات بگذرد.

شیب این منحنی متوسط هزینه های هر واحد بدست می آید.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandooch.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

بازار؛

از این به بعد از نظر کوتاه مدت بررسی می کنیم و می خواهیم بدانیم تولید کننده چه سطحی را

انتخاب می کند؟

هدف تولید کننده؟

ساختار تولید کننده؟

مهمترین هدف تولید کننده حداکثر سود است.

انواع بازار؛

۱- بازار رقابت کامل : ساده ترین و غیر واقعی ترین بازار خصوصیات این بازار عبارتند از :

الف) پایین ترین قیمت $\min P$

ب) بالاترین سطح تولید $\text{Max} q$

ج) بهترین کیفیت

د) حداکثر کارایی

تخصیص بهینه منابع در این بازار است.

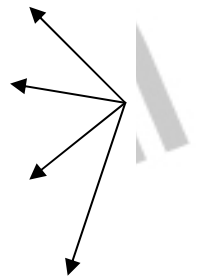
"کشش قیمتی بی نهایت است"

بازار انحصار کامل نقطه مقابل این بازار است.

()

)

(



ویژگیهای این بازار (رقابت کامل) عبارت است از؛

در این بازار نیاز به تبلیغات نیست و هزینه ها صفر است و دولت هم دخالتی نمی کند.

۲- بازار انحصار کامل

ویژگیهای بازار انحصار کامل

۱- تولید کننده واحد است و مصرف کننده زیاد است.

۲- کالاهای تولید شده همگن است.

۳- ورود و خروج به بازار آزاد است.

الف) زمانیکه دولتها امتیازاتی را به تولید کنندگان می دهند و به طور ویژه به افراد

می دهد.

ب) در دست گرفتن منابع و عوامل تولید توسط انحصارگر

ج) محدودیت بازار (با توجه به قیمت) باعث انحصار می شود = انحصار طبیعی.

د) جنگ قیمتها

۴- تبلیغات وجود ندارد.

بازار انحصاری مثل : دخانیات، برق، آب، مخابرات

گاهی دولتها خود انحصارگر می شوند و این بزرگترین مشکل اقتصادی است.

کشش قیمتی آن نسبت به بازار رقابت کامل خیلی کوچکتر است. (بیان نسبی) و کشش متقاطع آن

اگر صفر نباشد خیلی خیلی ناچیز است. افزایش یا کاهش

۳- بازار رقابت انحصاری (انحصار ناقص یا رقابت ناقص)

در این بازار تمایل بیشتر به رقابت است تا انحصار

۱- تولید کننده و مصرف کننده زیاد است نه بسیار زیاد

۲- کالاها همگن نیست و با توجه به مارک از هم متمایز می شوند

۳- تا حدودی ورود و خروج آسان است و گاهی مشکل

۴- اطلاعات ناقص است

۵- در این بازار مهمترین هزینه هزینه تبلیغات است

* دولت نظارت بر امور دارد برای هدایت به سمت رقابت کامل

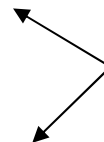
یکی از عوامل شناسایی درجه انحصار کشش قیمتی تقاضا و کشش متقاطع قیمتی تقاضا است.

۴- بازار آلگاپولی (چند قطبی، چند ملیتی، چند جانبه)

مربوط به تقاضای شکسته ← تئوری بازار دوقطبی ← تقاضای شکسته پل سوپرنری

به طور پنهان روابط دارند و بررسی رفتار تولید کنندگان مشکل است و معمولا در این سیستم یکی

رهبری را در دست می گیرد و بقیه حرف شنو می شوند.



گاهی در این بازار تبانی صورت می گیرد اگر چه رسمی نباشد.

فرایند تصمیم گیری یک بنگاه اقتصادی در بازار رقابت کامل ؛

چون مصرف کننده و تولید کننده زیاد است پس عرضه و تقاضای کل قیمت و مقدار را معین می کند.

$$Ed = \infty$$

$$P = AR = MR$$

شوکه های اقتصادی می توانند قیمت بازار را تغییر دهد.

تقاضای بنگاه به صورت یک خط افقی و معادل قیمت معین می شود. و فروش بستگی به ظرفیت

تولید دارد. ولی این امکان وجود دارد که با افزایش ظرفیت مشتری برای فروش داشته باشد. چون

همه کالاهای یکنواختی تولید می کنند.

افزایش قیمت باعث می شود که تقاضا صفر بشود بنابراین کشش قیمتی تقاضا ∞ است.

و اگر قیمت را کمی کمتر بفروشد کالا یکجا فروخته می شود و تنها کسی ضرر می کند تولیدکننده

است.

و تقاضا کاملاً کشش پذیر است. و شیب صفر است. فقط انتقال پیدا می کند.

قیمت بازاری $Pe =$

$$P=AR=MR$$

$$TR = \bar{P} \cdot q$$

$$AR = \frac{TR}{q}$$

$$MR = \frac{\Delta TR}{\Delta q}$$

$$= \frac{\bar{P} \cdot q}{q} = \bar{P}$$

$$= \frac{\Delta(\bar{P} \cdot q)}{\Delta q} = \bar{P}$$

در بازار رقابت کامل

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

۲- افزایش درآمد کل به ازای افزایش درآمد فروش

۳- درآمد آخرین واحد فروش

۴- مشتق درآمد کل نسبت به سطح فروش

۵- ضریب زاویه خط مماس بر درآمد کل

$$\operatorname{tg} \alpha = AR = MR = P$$

$$P = AR = MR \quad \text{بازار رقابت کامل}$$

$$MR = MC \quad \text{ولی} \quad MR < AR \quad P = AR \quad \text{بازار انحصار کامل}$$

در q_1 و q_2 سود صفر است.

نقطه سر به سر؛ سطح تولیدی است که به ازای آن دریافتیهای بنگاه درست معادل هزینه های

$$TR = TC \quad \text{بنگاه است. سود} = 0 \text{ است.}$$

نقاط سر به سر برای بنگاه خیلی مهم است.

$$\text{سود } \pi = TR - TC$$

$$\text{اگر } \begin{cases} TR > TC & \Rightarrow \pi > 0 & \Leftarrow AR > AC \\ TR = TC & \Rightarrow \pi = 0 & \Leftarrow AR = AC \\ TR < TC & \Rightarrow \pi < 0 & \Leftarrow AR < AC \end{cases}$$

$$P = AR = MR \quad \text{در بازار رقابت کامل}$$

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

$$\text{فقط در بازار رقابت کامل} \begin{cases} P = AR = MR \rangle AC & \Rightarrow \pi \rangle 0 \\ P = AR = MR = Ac & \Rightarrow \pi = 0 \\ P = Ar = MR \langle Ac & \Rightarrow \pi \langle 0 \end{cases}$$

در وضعیت اول حالت عمومی دارد وقتی با شرط سوم مخلوط می شود یک شرط خاص به وجود می آید.

هدف اصلی تولید کننده حداکثر سود است. و برای این کار باید ناحیه سود را پیدا کند. و سطح تولیدی را انتخاب می کند که بیشترین فاصله عمودی بین TR و TC به وجود آید. یعنی جایگاه شیب دو منحنی TC و TR برابر باشد.

تا سطح q^* شیب TC کمتر از TR است پس $MC \langle MR \Leftrightarrow$ با تولید بیشتر به درآمدمان بیشتر از هزینه ها اضافه می شود.

به ازای افزایش q^* شیب TC \langle شیب TR می شود. در نتیجه سود کمتر می شود.

به ازای کاهش q^* شیب TC \langle شیب TR می شود ولی به TR به اندازه TC افزایش نمی یابد ولی کلاً از π کم می شود.

$$\pi = TR - TC$$

شرط لازم برای حداکثر کردن سود: $\frac{d\pi}{dq} = \frac{dTR}{dq} - \frac{dTC}{dq} = 0$

$$\frac{dTK}{dq} = \frac{dTC}{dq}$$

$$\frac{d^2T_1}{dq^2} \langle 0 \Rightarrow \frac{d^2TR}{dq^2} - \frac{d^2TC}{dq^2} \langle 0$$

$$\frac{d^2TC}{dq^2} \rangle \frac{d^2TR}{dq^2}$$

جهت خرید فایل word به سایت www.kandooen.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

شرط هایی برای حداکثر سود در بازار رقابت کامل؛

شرط لازم؛

$$\left\{ \begin{array}{l} \frac{dTR}{dq} = \frac{dTC}{dq} \\ MR = MC \\ P = AR = MR \end{array} \right\} \Rightarrow P = AR = MR = MC$$

شرط کافی؛

$$\left\{ \begin{array}{l} \frac{d^2 \pi C}{dq^2} > \frac{d^2 TR}{dq^2} \\ MC' > MR' \quad , \quad MR' = 0 \Rightarrow \quad MC' < 0 \end{array} \right.$$

همواره زمانی سطح تولید حداکثر سود است که :

۱- منحنی TC پائین تر از TR باشد.

۲- منحنی MR و MC همدیگر را قطع کرده باشند.

۳- در محل تقاطع منحنی MC از پائین منحنی MR را قطع کرده باشد.

اگر MC از بالا قطع کند نشان دهنده اگر MC از پائین قطع کند سود Max است.

Max ضرر

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

اگر مشتق دوم $TC < 0$ باشد $\leftarrow Max \pi$

اگر مشتق دوم $TC > 0$ باشد $\leftarrow Min \pi$ یا حداکثر زیان

حداکثر زیان

حداکثر سود

هرگاه MC از بالای MR قطع کند

هرگاه MC از پائین MR را قطع کند

حداکثر زیان است.

حداکثر سود است.

با افزایش q MC از پائین به طرف بالا است و چون MC از طرف پائین قطع کرده است $Max \pi$

است.

حداکثر زیان

حداکثر سود

بر فرض محال

در دنیای واقعی اصلاً اینجور بازاری وجود ندارد.

حداکثر ضرر

تصمیم گیری تولید براساس متغیرهای هر واحد

$$x = \pi$$

$$\text{هزینه هر واحد} = \text{درآمد} \Rightarrow \pi = 0 \Rightarrow AVC = P$$

چون P در بین q_1 تا q_2 بالاتر از ATC قرار گرفته پس حتما سود می بریم

ATC q^* نقطه تعادلی بنگاه

$$P > ATC \Rightarrow \pi > 0$$

$$P = ATC \Rightarrow \pi = 0$$

$$P < ATC \Rightarrow \pi < 0$$

$$\pi = TR - TC$$

$$TR = P \cdot q^* = x + y + z$$

$$TC = q^* \cdot ATCq^* = y + z$$

$$TVC = q^* \cdot AVCq^* = z$$

$$TFC = q^* \cdot AFCq^* = q^* \cdot Fg = y$$

$$\pi = TR - TC = x + y + z - y - z = x = q^* \cdot EF$$

$$EF = \frac{\pi}{q^*}$$

$$EF = \frac{\pi}{q^*} = (P - ATC)$$

در صورتی که Pe کاهش پیدا کند زیان داریم و این Pe تحت شرایط بازار است.

و اگر تا Min ATC کاهش پیدا کند نه سود داریم، نه زیان و تنها سود نرمال داریم.

اگر قیمت بیشتر کاهش پیدا کرد دیگر دست از تولید می کشیم.

ولی تا Min AVC چون هزینه های ثابت پوشیده می شود باید به تولید ادامه دهیم.

$$MR = MC \quad \frac{P_L}{MP_L} = MR$$

$$\begin{array}{cccc} \Delta L & \Delta g & \Delta TR & \Delta TC \\ 1 & MP_L & P.MP_L & P_L \end{array}$$

$$\frac{\Delta TR}{\Delta q} = \frac{P.MP_L}{MP_L} = P = MR$$

$$\frac{1}{MC} = \frac{MP_L}{P_L} = \frac{1}{MR}$$

$$MC = \frac{P_L}{MP_L} = P$$

منحنی عرضه کوتاه مدت یک بنگاه در بازار رقابت کامل؛

برخورد P با منحنی MC تعیین کننده q^* است و اگر پائین تر از ATC قرار گیرد بنگاه سود به

دست نمی آورد بلکه همواره زیان بدست می آید.

در جمیع حالات زیان اقتصادی داریم و جایی که

فاصله حداقل باشد جایی است که شیب ۲ منحنی

TC و TR برابر است.

در زمان q^* زیان اقتصادی ما کمتر است اگر نخواهیم

تولید کنیم.

آیا تولید کننده با توجه به زیان در این بازار باقی می ماند یا نه؟

اولین کار متوقف کردن تولید است ولی این کار احتیاج به تحلیل دقیق تر دارد.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

از q^* قائمی رسم می کنیم و از برخورد q^* با منحنی ها مستطیلهایی به وجود می آید که M ، N و O هستند.

$$\pi = TR - TC$$

$$TR = P_2 \cdot q^* = N + O$$

$$TC = q^* \cdot ATCq^* = M + N + O$$

$$\pi = TR - TC = N + O - M - O = -M \quad \min$$

اگر تولید کند چه مقدار باید هزینه شود و چه مقدار باید زیان بدهد اگر تولید را متوقف کند.

باید بین بسته بودن و در حال تولید بودن مقایسه انجام دهیم که هر کدام ارزانتر بود آنرا انتخاب می کنیم. اگر بنگاه بسته شود چه مقدار باید هزینه ثابت پرداخت شود.

$$TC = M + N + O$$

$$TVC = q^* \cdot AVCq^* = O$$

$$TFC = TC - TVC = M + N + O - O = M + N$$

اگر تولید کنیم بخشی از هزینه های ثابت و کل هزینه های متغیر پوشش داده می شود.

ولی اگر تولید را متوقف کنیم باید تمام هزینه ثابت را پرداخت کنیم.

به تولید ادامه می دهیم؛

$$\begin{cases} ATC > P > AVC \\ ATC \cdot q > P \cdot q > AVC \cdot q \\ TC > TR > TVC \end{cases} \Rightarrow \begin{matrix} TC > TR > TVC \\ \cdot \\ TR \end{matrix}$$

\Rightarrow به تولید ادامه می دهیم حتی اگر زیان بدهیم. $\Rightarrow \begin{cases} P > AVC \\ TR > TVC \end{cases}$ به طور خلاصه

Min AVC در P-۲

شرایط در کوتاه مدت تغییر می کند و P_2 به P_3 کاهش پیدا می کند.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

$$\pi = TR - TC$$

$$TR = P_3 \cdot q^* = L \quad , \quad TC = ATCq^* \cdot q^* = K + L$$

$$\pi = L - (K + L) = -K \quad \Rightarrow \quad TFC = TC - TVC = (K + L) - L = K$$

در این حالت از نظر اقتصادی چه تولید

بکنیم چه تولید نکنیم تفاوتی نمی کند.

اگر $P = \text{Min AVC}$ باشد هنر تعطیلی بنگاه

است ولی باز هم به تولید ادامه می دهیم.

۳-P در پایین تراز min AVC ؛

$$\pi = TR - TC$$

$$TR = P_4 \cdot q^* = C \quad , \quad TC = ATCq^* \cdot q^* = A + B + C$$

$$\pi = TR - TC = C - (A + B + C) = -(A + B)$$

$$TFC = TC - TVC = (A + B + C) - (B + C) = A$$

منحنی MC از Min AVC به بالا همان منحنی عرضه است.

و اگر قیمت کمتر از Min AVC قرار گرفت منحنی عرضه موازی محور q می شود و متوقف

می شود و کاملاً کشش پذیر است.

روی MR و TR اثر نمی گذارد $P \downarrow \Rightarrow$

در کوتاه مدت در بازار رقابت کامل می تواند سود بوجود آید ولی در دراز مدت ثابت نیست و قیمت بالاتر از AVC باشد بنگاه سود می برد و چون آزادی ورود خروج برقرار است و دیگران وارد بازار می شوند و وقتی وارد بازار شدند عرضه محصول به سمت راست انتقال پیدا می کند.

به طور خلاصه ؛

به تولید ادامه می دهیم $p > AVC \Rightarrow$

مرز تعطیل بنگاه $p = \text{Min AVC} \Rightarrow$

تعطیل بنگاه $p < AVC \Rightarrow$

شرط تعطیل بنگاه در دراز مدت ؛

عرضه و تقاضای بازار P_1 ، q_1 به عنوان قیمت و مقدار تعادلی تعیین کرده اند و این سطح قیمت

سود بوجود می آورد و اگر بنگاه جدیدی وارد بنگاه شود عرضه محصول را بیشتر می کنند و عرضه

بازار از جمع افقی تک تک تولید کنندگان حاصل می شود.

و اگر تعداد تولید کنندگان زیاد باشد قیمت به سطح پایین تر نزدیک می شود. و این کاهش تا

سطح Min AVC ادامه پیدا می کند

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

که Min ATC در Min LAC دراز مدت منطبق است

دراز مدت : $P = MR = AR = SMC = LMC = \min SAC = \min LAC$

کوتاه مدت : $P = MR = AR = SMC$ ($P=AR=MR$)

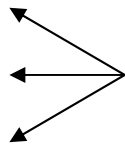
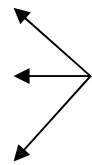
البته بازار رقابت کامل \uparrow

در بازار انحصار کامل؛ P و AR حذف می شوند چون $P = MR$ نیست

$$P = AR \geq MR$$

ولی P همواره با AR برابر است.

در بازار رقابت کامل صنعت را می توان سه دسته تقسیم کرد:



دسته بندی کنیم.

اگر چنانچه افزایش تقاضای تولید کنندگان برای استفاده بیشتر از عوامل تولید منجر به افزایش

قیمت عوامل تولید بشود نتیجتاً هزینه های هر واحد بنگاه افزایش خواهد یافت. بنابراین منحنی

های جدید به وجود می آید.

E , E'' شباهت آنها در کوتاه مدت بودن است.

E , E' تفاوت آن در دراز مدت است.

LS عرضه صنعت در دراز مدت و شیب صعودی آن و هزینه های تولید در دراز مدت فزاینده است

(هزینه های هر واحد تولید زیرا ورود تولید کنندگان جدید به صنعت باعث فشار تقاضا بر عوامل

تولید خواهد شد و افزایش تقاضا برای عوامل تولید منجر به افزایش قیمت عوامل تولید می شود

در نتیجه هزینه های هر واحد اضافی تولید در دراز مدت صعودی خواهد بود)

اگر ورود تولید کنندگان جدید برای کسب سود منجر به افزایش قیمت عوامل تولید نشود هزینه

های هر واحد تولید ثابت باقی می ماند لذا فقط منحنی عرضه صنعت به سمت راست منتقل

می شود تا آنجایی که سود را در بازار از بین ببرد.

LS' : هزینه های هر واحد تولید ثابت است مشروط به اینکه قیمت عوامل تولید در دراز مدت

ثابت بماند.

LS'' : هزینه هر واحد تولید کاهنده است (هرگاه منحنی عرضه در دراز مدت دارای شیب منحنی و

تابع نزولی باشد) نشان دهنده آن است که افزایش تقاضا برای عوامل تولید در یک وضعیت نادر و

استفاده بهینه از ذخایر منابع و عوامل تولید فراهم می شود به طوریکه می توان هزینه هر واحد

اضافی تولید را کاهش داد و در چنین حالتی کمتر می شود که صنعت با هزینه های کاهنده در

دراز مدت مواجه باشد)

جهت خرید فایل word به سایت www.kandooon.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

*بازار انحصاری خالص؛

فقط یک تولید کننده وجود دارد.

در مقایسه با رقابت کامل کشش قیمتی تقاضا پائین تر است.

$$\begin{array}{l} q \uparrow \quad P \downarrow \\ q \downarrow \quad P \uparrow \end{array} \rightarrow P = F(q)$$

تقاضا شیب نزولی دارد.

با افزایش و کاهش قیمت در تقاضا رابطه معکوسی به وجود می آید.

کشش قیمتی تقاضا در جمیع حالات کمتر از رقابت کامل است.

شیب منحنی تقاضا تند است و در اینجا کالاهای جانشین وجود ندارد و یک تولید کننده وجود

ندارد.

سیاست دیگران روی او اثر نمی گذارد و کشش متقاطع اگر صفر نباشد خیلی ناچیز است.

درآمد انحصارگر متناسب با قیمت افزایش پیدا نمی کند بلکه نسبت تناسب متفاوت است

منحنی تقاضا، تقاضای بازار هم است.

درآمد انحصارگر در جایی است که $MR = 0$ است.

$$TR = P \cdot q = F(q) \cdot q = aq - bq^2 \Rightarrow \text{منحنی سهمی است}$$

$$P = F(q) = a - bq$$

$$\text{Max } TR : \quad MR = \frac{\Delta TR}{dq} = 0 \Rightarrow MR = \frac{dP}{dq} \cdot q + P =$$

$$P \left(1 + \frac{dP}{dq} \cdot \frac{q}{P} \right) \cdot E < 0 \quad = P \left(1 - \frac{1}{E} \right) = P - \frac{P}{E}$$

چون $E < 0$ است

رابطه بین MR ، TR ، E

بازار رقابت کامل. $MR = P$ چون $E = 0 \rightarrow P - \frac{P}{\infty} = P - 0 = P$

بازار انحصار کامل. $MR = P - \frac{P}{E}$

$MR = P - \frac{P}{E} \Rightarrow$ در بازار انحصار کامل $MR < P$

در سطح بالاترین قیمت $MR = P$ می شود.

$$P = f(q) = AR$$

درآمد متوسط $AR = \frac{TR}{q} = \frac{P \cdot q}{q} = P = F(q)$

در اینجا AR در حال نزول است پس MR حتما در زیر این منحنی قرار دارد. و نقطه آغازین در

حداکثر قیمت است.

منحنی MR همواره شیبی دو برابر محور AR است.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

$$\left\{ \begin{array}{l} \frac{\Delta P}{\Delta q} = -b \\ MR = \frac{\Delta MR}{\Delta q} = -2b \end{array} \right. \Rightarrow 2AD = MR$$

$$MR = \frac{dTR}{dq} = a - 2bq \Rightarrow \frac{\Delta P}{\Delta q} = -b \quad \text{و} \quad \frac{\Delta MR}{\Delta q} = -2b$$

$MR = MC \Rightarrow$ شرط تعادل انحصار کامل

در بازار می ماند $AVC < P < ATC \Rightarrow$ اگر

اگر ATC و AVC بالای D قرار گیرد بازار را ترک می کند AVC, ATC اگر

چون زیان اقتصادی $FC <$

تفاوت بازار رقابت کامل و انحصار کامل؛

قیمت رقابت کامل پائین تر (PL) و مقدار آن $(q \uparrow)$ بیشتر است.

کشش انحصار کامل $E > 1$

کشش تقاضا در بازار رقابت کامل $<$ کشش تقاضای انحصارگر

$$MR = 0, \quad MR = P\left(1 - \frac{1}{E}\right) = 0 \Rightarrow 1 - \frac{1}{E} = 0 \Rightarrow E = 1$$

در چه صورت کشش قیمتی تقاضا برای انحصارگر یک است؟ $MC = 0$

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

$$P(1 - \frac{1}{E}) = 0$$

اگر هزینه متغیر نداشته باشیم فقط هزینه ثابت

پرداخت می کنیم (چاه نفت که احتیاجی به نیروی کار نداشته باشد)

$$TR = P \cdot q^* = OPBP$$

$$TC = \underbrace{a'q^3 + b'q^2 + c'q}_{TVC} + \underbrace{D'}_{TFC}$$

$$q = 0$$

$$TC = TFC$$

اگر توابع نمایی باشند؛

$$TC = e^x(x-1) + 10 \Rightarrow TFC = -e^0 + 10 = 9$$

اگر توابع توانی بود قسمتی که x ندارد همیشه ثابت است و بقیه هزینه متغیر است.

$$\pi = TR - TC = \pi(q)$$

$$\max \pi \Rightarrow \frac{d\pi}{dq} = \frac{dTR}{dq} - \frac{dTC}{dq} = 0 \Rightarrow \frac{dTR}{dq} = \frac{dTC}{dq}$$

شرط لازم:

$$MR = MC \quad \Leftarrow \text{شرط لازم برای تعادل در بازار انحصار کامل}$$

در بازار انحصار کامل در تمام سطوح P با MR متفاوت است ولی در بازار رقابت کامل P در کل سطوح یکسان است.

$$\text{شرط کافی: } \frac{d^2\pi}{dq^2} < 0 \Rightarrow MR' < MC' \quad \text{یا} \quad MC' > MR'$$

$$TR \langle TC$$

در محل تلاقی این دو (MR,MC) شیب MC بیشتر از MR است.

در نقطه E منحنی MC از پائین منحنی MR را قطع نموده است بنابراین در این نقطه حداکثر سود ($\max \pi$) حاصل است.

اگر یک واحد کمتر تولید کند کاهش MR بیشتر از افزایش MC است و یک واحد بیشتر هم همچنین پس در این نقطه حداکثر سود است.

در چه شرایطی هدف حداقل زیان می شود؟

زمانیکه انحصارگر در جمیع مقادیر تولید زیان بیند.

در صورتی که منحنی هزینه به سمت بالا رود و تقاضا زیر ATC قرار گیرد و تقاضا کاهش پیدا کند (انتقال D به سمت چپ) و $P < ATC$ شود همواره زیان به دنبال دارد.

$$P < ATC \Rightarrow \text{همواره زیان}$$

$$P > ATC \Rightarrow \text{در دامنه ای سود بدست می آید}$$

$$P = ATC \Rightarrow \text{نقطه سر به سر است.}$$

$$P \cdot q = ATC \cdot q \Rightarrow TR = TC$$

$$MR = P(1 - \frac{1}{E}) \quad MR = 0 \Rightarrow E = 1$$

هدف : حداقل کردن زیان ؛

$$\pi = TR - TC$$

$$TR = P_m \cdot q_m = B + C$$

$$TC = ATC q_m \cdot q_m = A + B + C$$

$$\pi = (B + C) - (A + B + C) = -A$$

$$TC = A + B + C$$

$$TVC_m = q_m \cdot AVC q_m = C$$

$$TFC = TC - TVC = A + B$$

$A + B = FC$ ← در کوتاه مدت انحصارگر در بازار می ماند و اگر بلند مدت شد برای خود تصمیم

می گیرد.

ورود و خروج به بازار انحصارگر به دلایل ذیل ممنوع است

۱- تحت پوشش قرار دادن مواد اولیه

۲- اعطای حق امتیاز

۳- گرفتن حق امتیاز از طرف دولت

۴- انحصار طبیعی

در دراز مدت انحصارگر با تغییر در تشکیلات تولید خود سطح تولید و تعیین می کند و کسی وارد

بازار نمی شود.

* هنر تعطیلی بنگاه انحصاری در کوتاه مدت ؛

اگر منحنی تقاضای بازار کاهش پیدا کند تا سطحی که منحنی تقاضا بر منحنی AVC مماس شود.

(هیچگاه این نقطه از \min به آنطرف نیست) در اینجا ماندن تولید کننده در بازار و تعطیل بنگاه هر

دو به یک اندازه هزینه برمی دارد وقتی تولید کند زیان اقتصادی عاید می شود و وقتی تعطیل کند

هزینه های ثابت را باید بپردازد اما زیان اقتصادی و هزینه های ثابت با هم برابرند و انحصارگر برای ماندن و رفتن بی تفاوت است.

و اما اگر منحنی تقاضا باز هم کاهش پیدا کند که به ازای جمیع مقادیر تولید (فروش) منحنی تقاضا در زیر منحنی AVC واقع شود بهتر است انحصارگر تولید را متوقف کند و بنگاه را تعطیل کند.

* در بازار رقابت کامل منحنی MC بیانگر عرضه بنگاه در کوتاه مدت است.

در بازار انحصار کامل منحنی عرضه کوتاه مدت هدف را نمی توانیم بیابیم چون قیمت روی منحنی

تقاضا تعیین می شود و مقدار در محل تلاقی MC , MR

* سود انحصاری کامل ناعادلانه است پس دولت باید در این جا مبالغی را از این بنگاه بگیرد و با

خرج دیگری برساند.

کنترل انحصار :

در رقابت کامل در مقایسه با انحصار کامل

}	$P \downarrow$
	$q \uparrow$
	max

روشهای کنترل انحصار ؛

۱- روش مستقیم ؛ از طریق قیمت گذاری مستقیم

۲- روشهای غیر مستقیم ؛ از طریق وضع مالیات

۱- مالیات مقطوع

۲- مالیات بر هر واحد فروش

۳- مالیات بر درآمد شرکتهای (سود شرکتهای)

۱- روش مستقیم

روش مستقیم الهام گرفته شده از بازار رقابت کامل است چون $P = MC$ بنابراین قیمت را تعیین

می کنیم و سقف قیمت با شرط $P = MC$ ولی قیمت می تواند $P \leq MC$ باشد.

بنابراین منحنی تقاضا یک منحنی شکسته میشود و منحنی MR هم یک منحنی شکسته میشود.

اهداف؟

۱- قیمت محصول را پائین آورده ایم.

۲- مقدار تولید را افزایش داده ایم.

۳- قدرت انحصاری را کاهش داده ایم (با کاهش سود به دلیل سقف قیمت)

ABCD مستطیل سود است.

۲- روش غیر مستقیم ۱-:

$$T = K$$

$$TC = TVC + TFC$$

$$TC_T = TVC + TFC + K$$

$$ATC_T = AVC + AFC + \frac{K}{q}$$

$$AVC_T = \frac{TVC}{q} \quad 2 \Rightarrow 1,2 \Rightarrow AVC_\pi = AVC$$

$$TFC_T = TFC + K$$

$$MC_T = \frac{dTC_T}{dq} = \frac{dTVC_T}{dq} = \frac{dTC}{dq} = \frac{dTVC}{dq} \quad 4$$

$$3,4 \Rightarrow MC_T = MC$$

$$\left\{ \begin{array}{l} ATC = AVC + AFC \\ AVC = \frac{TVC}{q} \quad 1 \\ MC = \frac{dTC}{dq} = \frac{dTVC}{dq} \quad 3 \end{array} \right.$$

با اضافه شدن مالیات ATC منتقل می شود و min ATC باید از MC بگذرد.

تنها منشا حاصل از مالیات بر انحصارگر است چون $\bar{P} \downarrow$ پس سود او کم می شود.

$$\left. \begin{aligned} &= (P_m - AC).q_m \\ \pi_T &= (P_m - AC_T).q_m \end{aligned} \right\} \pi > \pi_T$$

۳- روش غیر مستقیم - ۲:

مالیات بر هر واحد فروش؛

سیستم مالیات تناسبی = ۱

سیستم مالیات تنازلی

(نسبت مالیات ثابت)

(مالیات \downarrow ، $q \uparrow$)

مالیات بر هر واحد فروش = $\frac{P}{q} = t$ = نسبت مالیاتی

مالیات بر هر واحد فروش هزینه های متغیر را افزایش $TC_T = TVC + TFC + t.q$

می دهد ولی مالیات مقطوع هزینه های ثابت را افزایش می دهد.

$$AVC_T = \frac{TVC_T}{q} = \frac{TVC + t.q}{q} = AVC + t$$

$$MC_T = \frac{dTC_T}{dq} = \frac{dTVC}{dq} + \frac{dt.q}{dq} = MC + t$$

منحنی AFC و TFC هیچ تغییری نمی کنند و همچنین D ، MR و بقیه منحنی ها تغییر

می کنند.

این سیستم مالیاتی باعث ؛

۱- افزایش قیمت انحصاری

۲- کاهش تولید انحصاری

۳- کاهش سود انحصارگر

۴- روش غیر مستقیم -۳ ؛

سیستم مالیات بر سود شرکتها

$$T = t.\pi = t(TR - TC)$$

$$\text{قبل از وضع مالیات} \begin{cases} \pi = TR - TC \\ \text{Max } \pi \Rightarrow \frac{d\pi}{dq} = 0 \Rightarrow MR = MC \quad 1 \end{cases}$$

شرط حداکثر کردن سود ؛

مقداری از مالیات را بر دوش مصرف کننده می اندازد و تا حدودی هم موفق است و بقیه سهم تولید

کننده است.

$$\text{پس از وضع مالیات} \begin{cases} \pi_T = \pi - T = (TR - TC) - T = TR - TC - t(TR - TC) \\ = (1-t)(TR - TC) = (1-t)\pi \\ \text{Max } \pi \Rightarrow \frac{d\pi}{dq} = 0 \end{cases}$$

$$(1-t) \frac{dTR}{dq} - (1-t) \frac{dTC}{dq} = 0$$

$$\Rightarrow (1-t)MR = (1-t)MC \Rightarrow MR = MC \quad 2$$

۱ و ۲ ≤ در سیستم مالیات بر سود شرکتها قیمت انحصاری و مقدار انحصاری تغییری نمی کند ولی

سود انحصارگر به نسبت مالیات $[(1-t)\pi]$ کاهش پیدا می کند.

سود π	مقدار q	قیمت P
کاهش (-) ↓	↑ افزایش (+)	کاهش (-) ↓
کاهش ↓	ثابت \bar{q}	ثابت \bar{P}
		مالیات مقطوع هزینه
		افزایش می یابد
کاهش	کاهش	مالیات بر هر واحد
		افزایش
		فروش هزینه متغیر افزایش می یابد.
کاهش	ثابت	مالیات بر سود شرکتها
		ثابت

اقتصاد چندجانبه از کتاب لفت و پیچ

صفحه ۲۹۴ تا ۳۱۹

صفحه ۳۲۶ تا ۳۳۵

در بازار رقابت انحصاری مهمترین هزینه تبلیغات است.

رقابت ناقص = انحصار ناقص = رقابت انحصاری

سیاست تبعیض قیمت از سوی انحصارگر ؛

این عمل برای بالا بردن سود اقتصادی انجام می شود.

شرایط لازم برای این که انحصارگر با این سیاست سود خود را بالا ببرد ؛

۱- بازارها کاملا از هم جدا باشند ؛ به گونه ایی که این امکان برای خریدار به وجود آید که

در یک بازار با قیمت پائین تر بخرد در یک بازار با قیمت بالاتر بفروشد.

۲- باید کشش قیمتی تقاضا در دو بازار متفاوت باشد و یکسان نباشد.

$$MR = P(1 - \frac{1}{E})$$

$$E_1 = E_2 \Rightarrow MR_1 = MR_2 \qquad MR_1 = MR_2 = MC \quad \text{شرط تعادل؛}$$

$$MR_1 = P_1(1 - \frac{1}{E})$$

$$\parallel \parallel \parallel \Rightarrow P_1 = P_2$$

$$MR_2 = P_2(1 - \frac{1}{E})$$

پس باید کششها متفاوت باشد و موقعی که کشش ↓ قیمت ↑

کشش ↑ قیمت ↓

$$E_1 < E_2 \Rightarrow P_1 > P_2$$

اگر سیاست تبعیض قیمت در تجارت خارجی مورد استفاده قرار گیرد به آن سیاست **dumping**

گفته می شود. یعنی بازار داخل و خارج را جدا می کنیم پس :

در سیاست تبعیض قیمت تولید در یکجا صورت می گیرد و در چند جا به فروش می رسد.

$$Q = q_1 + q_2 \quad \text{مقدار کل تولید}$$

$$TC = F(Q)$$

$$\text{درآمد انحصارگر} \quad \begin{cases} TR_1 = P_1 \cdot q_1 \\ TR_2 = P_2 \cdot q_2 \end{cases}$$

$$\begin{cases} P_1 = F(q_1) = 12 - q_1 & \Rightarrow TR = 12q_1 - q_1^2 \\ P_2 = F(q_2) = 20 - 3q_2 & \Rightarrow TR = 20q_2 - 3q_2^2 \end{cases}$$

$$\text{کل} \quad TR = TR_1 + TR_2 = 12q_1 - q_1^2 + 20q_2 - 3q_2^2$$

$$\text{هزینه} \quad TC = 3 + 2Q \quad (Q = q_1 + q_2)$$

$$\pi = TR - TC = 12q_1 + 20q_2 - 3q_2^2 - q_1^2 - 3 - 2q_1 + 2q_2$$

$$\frac{\partial \pi}{\partial q_1} = 0 \quad 12 - 2q_1 - 2 = 0 \Rightarrow q_1 = 5 \quad P_1 = 7$$

$$\pi = 49$$

$$\frac{\partial \pi}{\partial q_2} = 0 \quad 20 - 6q_2 - 2 = 0 \Rightarrow q_2 = 3 \quad P_2 = 11$$

$$Q = q_1 + q_2 = 5 + 3 = 8$$

$$MC = \frac{dTC}{dQ} = 2 \quad \left. \begin{array}{l} MR_1 = MC \\ MR_2 = MC \end{array} \right\} MR_1 = MR_2 = MC$$

اگر سیاست تبعیض قیمت به کار نبریم؛

$$P_1 = 12 - q_1$$

$$P_2 = 20 - 3q_2$$

$$P_1 = P_2 \Rightarrow 20 - 3q_2 = 12 - q_1 \Rightarrow q_1 = -8 + 3q_2$$

$$\frac{d\pi}{dq} = 12 \times 3 - 2(-8 + 3q_2) + 20 - 6q_2 - 2 \times 3 - 2 = 0$$

$$40 - 12q_2 = 0 \Rightarrow \begin{cases} q_2 = 4 & P_2 = 8 \\ q_1 = 4 & P_1 = 8 \end{cases} \quad Q = 8$$

$$(P_1 - AC)q_1 + (P_2 - AC)q_2 = \text{سود بنگاه}$$

نقطه سر به سر؛

ما همیشه از Min AVC به بعد تولید را انجام می دهیم یعنی مرحله ۲ تولید را پس داریم

یعنی TVC خط مستقیم است.

$$AVC = \frac{TVC}{q} \quad P \geq AVC$$

تا به فعالیت ادامه دهیم.

$$TR = \bar{P} \cdot q$$

$$P \geq AVC \Rightarrow TR > TC \text{ شیب}$$

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

باید خارج شویم. $TC < TR$ شیب $P < AVC \Rightarrow$

$$TR = P \cdot q$$

$$TC = TVC + TFC$$

$$\pi = TR - TC \Rightarrow TR - TC = q \cdot P - (AVC \cdot q + TFC) = 0$$

$$q = q^* \Rightarrow \pi = 0$$

$$P \cdot q^* = AVC q^* + TFC \Rightarrow q^* = \frac{TFC}{P - AVC} = \frac{FC}{P - AC}$$

$$AC = AVC$$

$$FC = TFC$$

اگر $VC = 0 \Leftarrow$

اگر TVC داشته باشیم حتما کشش بزرگتر از یک است و مقدار تولید هم برابر حداکثر TR است.

* یک انحصارگر با دو کارخانه

$$MR = MC_1 = MC_2$$

شرط حداکثر سود برای انحصارگر :

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

$$MR > MC_1$$

$$MR < MC_2$$

* تقاضای انحصارگر تقاضای بازار است.

دو کارخانه در دو محل جدا، با تکنولوژی متفاوت و ...

تبعیض قیمت؛

تمام اضافه رفاه مصرف کننده

یک مقدار از اضافه رفاه

dumping

به جیب انحصارگر می رود.

مصرف کننده را می گیرد.

در تبعیض قیمت نوع اول منحنی تقاضا همان منحنی MR است.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandooen.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

www.kandooen.com

www.kandooen.com

www.kandooen.com

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

Filename: Document1
Directory:
Template: C:\Documents and Settings\hadi tahaghoghi\Application
Data\Microsoft\Templates\Normal.dotm
Title: :
Subject:
Author: H.H
Keywords:
Comments:
Creation Date: 4/15/2012 11:26:00 AM
Change Number: 1
Last Saved On:
Last Saved By: hadi tahaghoghi
Total Editing Time: 0 Minutes
Last Printed On: 4/15/2012 11:26:00 AM
As of Last Complete Printing
Number of Pages: 58
Number of Words: 6,538 (approx.)
Number of Characters: 37,270 (approx.)